

همدان: پایتخت هفت سلسله

یوسف شمسی پور

تاریخ همدان از باستان تا کنون

هر سلسله و هر پادشاه که در این سرزمین ایران زمین بر تخت نشست، همدان بود، تاثیر گرفت و تاثیر نهاد و این است که بی مبالغه گفته‌اند: آنکه تاریخ همدان بداند، تاریخ ایران نیز بداند و بالعکس. تاریخ همدان، تاریخ ایران است.

نام‌های همدان در گذر تاریخ (ترتیب خاصی ندارد): اکباتان، احمتا، هنگ متان، آکسایا، اهدانه، حکمتان، هگمتانه، آنادانا، سارو، ایپیفانیا، زینستان، امدانه، همدانا، نازمه و...

مادها: قصری مشهور به هفت حصار در آن ساختند همچون قصر عجایب هفتگانه‌ی بابل. پادشاهان آن دیاکو، فرورتیش، هووخ‌شتر و اژی دهاک و این اوج شکوه هگمتانه بود که به پرجمعیت‌ترین و پررونق‌ترین شهر دنیای زمان خود تبدیل شده بود

هخامنشیان: پایتخت تابستانی، ضرابخانه‌ی هخامنشیان، صدور نخستین فرمان حقوق بشر به دست کوروش کبیر و ملجا استر و مردخای تا در نهایت آمدن نام همدان به نام احمتا در تورات عهد عتیق...

سلوکیان: اقامتگاه حکومتی جانشینان اسکندر مقدونی که حدود یک قرن بر قسمتی از ایران تجزیه شده حکومت داشتند

اشکانیان: پایتخت تابستانی

ساسانیان: پایتخت تابستانی

سلجوقیان: در قرن ششم هجری سلجوقیان مرکز خود را از بغداد به این شهر منتقل کردند و مدت پنجاه سال این شهر پایتخت سلجوقیان بود

زندیه: همدان چندماهی پایتخت کریمخان ملایری بود و بعد آن نیز علی مرادخان -خواهر زاده کریم خان- والی همدان شد که پس از مرگ کریمخان ادعای استقلال طلبی داشت و همدان را مرکز و پایتخت خود قرار داد. به نام خود سکه ضرب نمود. و شش سالی در برابر شاه قاجار مقاومت کرد.

اکباتان و هفت ویرانی بزرگ

یک زلزله و شش جاه طلب مست از جام قدرت، درست به عدد مجد و شکوه‌ها، و گویی به مکافات روزهای اوج، هریک و هر بار آنچنان کمر بر حذف شوکت همدان بستند -و نتوانستند- که نوشته‌اند گویی خون ازلی زندگی در رگهای این شهر جاری است که هر بار به سرعت رو به آبادی ونوسازی می‌گذاشته است. و عجیب نیست اگر بعضی مورخین قدیم نقل کرده‌اند از شیرویه بن شهردار که سلیمان نبی از همدان عبور کرد و زیادی چشمه‌ها و آبهای جاری بدید و بنایی ندید. پرسید سبب چیست که اسباب هست و مسبب نیست. گفتند یا نبی! کس را

یاری اقامت در این مکان نیست که برف در آن زیاد فرو می‌ریزد که گاهی به طول نیزه برسد و سرمای شدید به مردم مسلط می‌گردد... و به همین شرح، بعضی مورخین را اعتقاد افتاده است سلیمان پیغمبر این ملک را دعا کرده است و همدان حیات ابدی یافته است...
بخت النصر: پادشاه بابل و سازنده باغهای معلق بابل، که تنگ چشمی وی را سبب حمله و ویرانی هفت حصار حکمتانه نامیده‌اند. گویند او بر اثر شدت خونریزی و سفاکی سالهای آخر عمر را به جنون گذراند. بعدها داریوش هخامنشی شهر را مرمت کرد.
اسکندر مقدونی: با حمله‌ی کشورگشای یونانی، آخرین بازمانده دولت پارس (داریوش سوم) از مقابل اسکندر گریخت و اسکندر به متعاقب آن به شوش و تخت جمشید دست یافت. در مراجعت در همدان پیروزی خود را جشن گرفت. کشتاری وحشیانه و بی رحمانه بوسیله یونانیان در همدان بوجود آمد.

مردآویج زیاری: لشکر کشی مردآویج به همدان به بهانه انتقام کشته شدن خواهر زاده‌اش بدست مردم همدان و قتل عام دو روزه‌ای که در آن شهر به راه انداخت، در تاریخ، سخت معروف است و زبانزد. وی از جمله نظامیان حکومت علویان طبرستان بود و از خاندان آل بوئه. او قصد بردن شیرسنگی را نیز کرد و چون نتوانست دست‌های آن خرد کرد.

زلزله مهیب: در زلزله سال ۳۴۵ ه ق شهر به تلی از خاک و ویرانه بدل شد و تمثیل کنند که آجری نبود تا بر دیگری برقرار مانده باشد.
مغول‌ها: یورشهای بی رحمانه مغولان بدنبال ترکان از سال ۶۱۸ تا ۶۲۷ ه ق به همدان سبب بسیاری ویرانی و آشفستگی گردید. مغولان که از مقاومت ۱۰ ساله همدان به تنگ آمده بودند. پس از دستیابی به شهر آنچنان قتل و ویرانی در شهر به راه انداختند که تا سالها شهری به نام همدان وجود نداشت. ساکنین با تجربه این‌بار نیز راه کوهستان در سر گرفتند و از کنار الوند به توپسراکان رفتند. مغول‌ها به توپسراکان نیز حمله‌ور شدند و چنان کردند در آن شهر مصفا که چندصد سال از دایره حیات پاک بود. تا اینکه افراد متواری و سرگردان در کوهها و روستاها مجدداً به شهر آشوب زده برگشتند و شهری دیگر ساخته و همدان بازسازی شد. از آن سلسله تیمور لنگ نیز کشتارها کرد تا آذوقه‌ای در شهر قحطی زده نماند.

افغانه: در پی حمله‌ی افغان‌ها و سقوط دولت صفوی، همدان سالها در محاصره‌ی لشکر پابرهنگان بی فرهنگ مغول قرار داشت و سرمای زمستانی و ناآشنایی با اقلیم مانع از نفوذ آنها میشد تا اینکه فتنه موثر افتاد و شهر سقوط کرد. افغانه، کینه‌مندان از سالها انتظار، به مراتب وحشیانه‌تر از آنچه بر اصفهان کردند، شهر و شهریان را نابود کردند و متواری.

آغامحمد خان قاجار: از میان آن همه مصیبت که بر این شهر قدیمی‌تر از تاریخ رفته و شرحش رفت، همه‌ی مسببین به نوعی انیرانی بودند. یونانی و مغول و ترک‌عثمانی و افغان و... - به استثنای مردآویج - از دشمن، جز دشمنی توقعی نبوده است. اما خواجه‌ی استرآبادی را که اتفاقاً از همان خطه‌ی مردآویج است را حکایت ستم و بیداد، تلخ‌تر آمد. اگر در کرمان بیست هزار نفر کور کرد و بزرگوارانه جانشان بخشید(!) در همدان، شهری که با سردمداری خان زند، شش سال او را پشت دروازه‌هایش نگه داشته بود، با شکست دادن مبارزین، به انتقام این ماجرا یک بار دیگر طعم تلخ قتل و غارت و آتش سوزی و دربردی در کوهستانهای زاگرس را به مردم این خطه چشاند. چندان

که تا قد بلند کردن شیخ اسدآبادی چندان نامی از همدان در جریان اتفاقات و حوادث نبود. خان قجر، نوهی ناخلف شیخ صفی الدین اردبیلی، با آن جیغ‌های زنانه‌اش، فرمان سفاکی‌ها داد که بماند به یادگار.

در تاریخ معاصر

مشروطه خواهی در همدان خصوصاً پیش از دیگر شهرهای ایران رخ نمود که از نتایج آن تأسیس ادارات -انجمن شهر- بلدیہ- عدلیه بود. دو سال قبل از آنکه در کرمان و پس از آن در تهران، اجتماعيون به مشروطه برسند، در همدان، به کوشش ظهیرالدله، نخستین مجلس شورای محلی تشکیل شد در دو جنگ جهانی اول و دوم بیایي به اشتغال قوای روس- عثمانی- انگلیس و آمریکا در آمد و ستاد سپاهیان آنها گردید و قحطی را از سر گذراند. در این دوران روشنفکرانی از این شهر برخاسته‌اند که نقش آنان در مبارزه با استبداد کاملاً برجسته است. با آغاز سلطنت رضاخان، از آنجا که وی سالها مسئول لشکر قزاق همدان بود، توجه خاصی به عمران این شهر نمود و یک طراح آلمانی بر اساس مدل شعاعی، طرح جامع شهری همدان را کشید. همکنون همدان جزو معدود شهرهای دارای نقشه‌ی طراحی شده‌ی شهری ایران است که این موضوع همواره نقشی فراوان در سیال بودن ترافیک و کمی آلودگی این شهر داشته ... در جریان نهضت ملی کردن نفت، کفن پوشان همدان در کنار کفن پوشان کرمانشاه و قزوین در کاروانسرا سنگی به رگبار بسته شدند و برخوردهای زیادی در میان حامیان مصدق و چماق‌داران رخ داد.